عاشقان شهادت

از

شهید مرتضی خانمحمدی

Scanned with CamScanner

عاشقان شهادت

بضمیمهٔ : مقالات

زندگینامه

و

وصیتنامهٔ

شهید

مرتضی خانمحمدی

مطالعهٔ کامل این کتاب به

« عاشقان شهادت »

توصیه میگردد .

Scanned with CamScanner

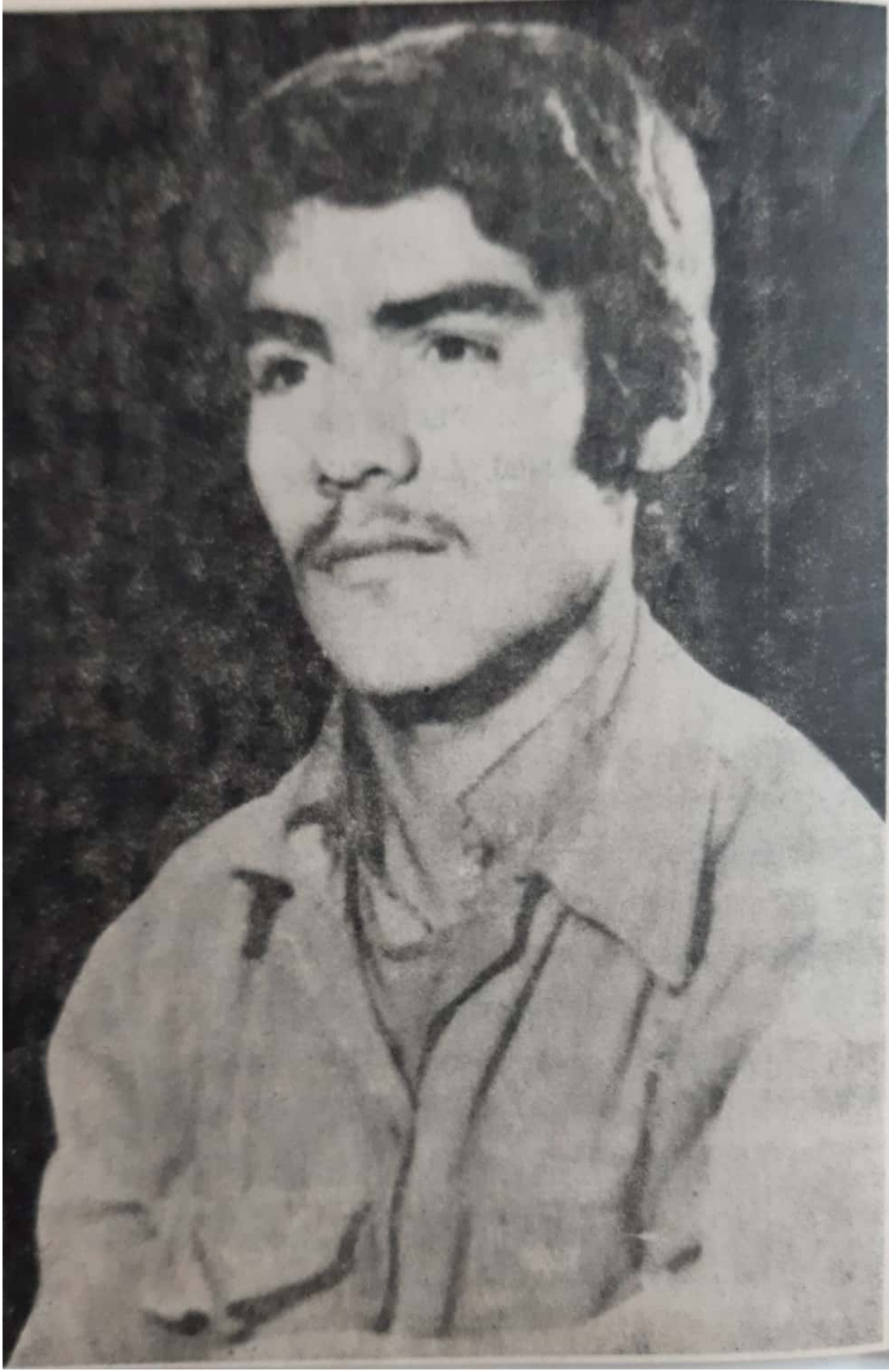

Scanned with CamScanner

مردان مجرد که به حق پیوستند
از دام تجردات دنیـا رستنـد
چشمی بگشودند در این دار فنا
دیدند که دیدنی ندارد ، بستند

Scanned with CamScanner

بسم الله الرحمن الرحیم

چرا آنانکه درصف حق میجنگند ازمرگ باك ندارند؟ درحالیکه کسانیکه درصف باطل می‌جنگند از آن وحشت دارند ؟

چرا رزمندگان و مجاهدان اسلام ، شهادت را به آغوش می‌کشند و از جهاد در راه خدا استقبال میکنند و کافران ودشمنان اسلام، تمایل به‌گریز از کام مـرگ دارند ؟

چرا گذشت وایثار وفداکاری ومهربانی‌والفت قلبی در جبههٔ حق در حد بسیار بارزی نمودار است وکینه و بغض‌وپستی درروابط بین‌اعضای جبههٔ کفر پدیداراست؟

وبالاخره چرا دربین برادران ایمانی رقابت وسبقت در رسیدن به‌فوز شهادت ولقاء پروردگار وجود دارد و در بین پیروان شیطان حسادت نسبت بیکدیگر و سبقت در ارضاء شهوت ....؟

اگر بخواهیم به‌پاسخ اصولی‌که بتواند جـوابگوی سئوالات فوق و سئوالات بسیار دیگری‌که میتواند مطرح باشد ، دست یابیم، باید روشن کنیم زندگی ومفهوم و

Scanned with CamScanner

فلسفهٔ آن از دیدگاه کافران واهل باطل چیست؟ ازطرف دیگر از دید مؤمنین واهل حق چگونه است ؟

باید ارزیابی نمودکه زندگی براساس چه طرزتفکر وایمان وارزشهائی استوار است؟ خوشبختی و بدبختی چه معنائی دارد؟ بدین ترتیب، خواهیم توانست اعمال کافران را با توجه به‌فلسفهٔ زندگی آنها و برداشت آنها از زندگی، توجیه نمائیم ، ونیز می‌توانیم اخلاق ورفتار مؤمنین را باتوجه به‌نوع زندگی مورد اعتقادشان تحلیل نمائیم .

زندگی از دیدگاه کافران :

بزعم کافران، همهٔ زندگی منحصر به زندگی دنیا است وآنان در این دنیا تانوك بینی خود رامی‌بینند و به منافع زودگذر دنیا دلخوش وراضی میشوند وتمام تلاش خویش را برتعقیب هدفهای شهوت‌پرستانه ولذتجویانهٔ مادی بنا می‌نهند .

خوشبختی از نظر کفار بدست آوردن و برخورداری هرچه افزونتر است. افزایش جوئی بریکدیگر وتفاخر طلبی وحرص وطمع وشهوت وهوسرانی، انگیزه‌های‌آن‌ها در حرکتهایشان میباشد. خوبی و بدی درجبههٔ کفر بستگی به تشخیص اهل‌کفر، آنهم هرکافری از دیدگاه خودش، دارد. ملاکهای ارزشیابی عبارتند از اینکه : چه‌چیزهائی

Scanned with CamScanner

بهتر و بیشتر تمایلات حیوانی آنان را ارضاء می‌کنند؟

اگر نظری گذرا به عملکرد کفر جهانی بیفکنیم و زندگی قدرتهای شیطانی را مورد بررسی قرار دهیم، صفتهای بارز آنان، دنیاپرستی، جهانخوارگی، توسعه‌طلبی، سرمایه اندوزی را، نمایان می‌بینیم، دست چپاول و غارت استعمارگران ، استثمارگران، در اعماق زمین، معادن متعلق به‌ملل محروم ومستضعف را به‌یغما می‌برد وسایهٔ شوم ونکبت‌بار آنان، ازآنسوی قاره‌ها بر سر مظلومین گسترده است‌که، چه بسا نمیدانند خارج از روستاها وشهرشان چه‌کسانی زندگی انگلی خود را از دسترنج وتلاش آنان‌تأمین می‌کنند. واصولا اگر توجهی به‌اصطلاحات رایج، درمناقشات سیاسی بین‌المللی داشته باشیم به‌نوع زندگی کافران واقف خواهیم شد. قدرت پرستان کافر مادام که بتوانند باتوافق یکدیگر و تحت عناوین مختلف ، با روی‌کار آوردن دولتهای وابسته و مزدور، منافع ومنابع ملتها را می‌بلعند وبر سر سفره‌ای که حاصل زحمت ورنج وعرق ریختنهای مردم‌جهان‌است، می‌نشینند وگوی سبقت را از یکدیگر می‌ربایند وزمانیکه نتوانند توافق‌کنند، همدیگر را به‌توسعه‌طلبی و دخالت در امورکشورها و... محکوم ومتهم‌میکنند.

اینها همه حاکی از اینستکه : آنان آمال وآرزوهای خویشرا در محدودهٔ زندگی دنیا قابل تأمین میدانند و

Scanned with CamScanner

چهارنعل برای زندگی حیوانی خویش به‌پیش می‌روند، چون، خیال‌می‌کنند اگر بمیرند، دیگر تمام شده‌اند. گرچه چنین فکری را نیز به‌مغز خـود راه نمیدهند و چنانچه کابوس وحشتناك!؟ مرگ به‌فکرشان خـطور کند، از واقعیت آن طفره رفته و به‌پندار واهی‌شان ، خودرا از مرگ رها می‌کنند، در حالیکه تنها خیال خودرا راحت می‌کنند ومرگ‌واقعیتی استکه، چه‌بخواهند وچه‌نخواهند آنها را درکام خودخواهد کشید .

زندگی از دیدگاه مؤمنان :

مفهوم زندگی از دیدگاه اسلام محدود به‌زنـدگی دنیا نمیشود. دنیا منزل ماندن نیست، گذرگاه رفتن‌است.

زندگی انسانهای مؤمن‌وصالح، دراین دنیا ازظواهر مادی‌نفوذ میکندو به‌عمق متعالی ومقدس، ریشه می‌دواند.

در افقهای بیکران، در وراء دنیا «زندگی آخرت» ادامه می‌یابد. قرآن در موارد متعددی **دنیا را بازیچه وکالائی فریبنده** معرفی میکند :

« ومالحیوة الدنیا الا لعب ولهو » **انعام۳۲**

و زندگی دنیا چیزی جز بازیچه وهوسرانی نیست .

« ومالحیوة الدنیا الا متاع الغرور » **آل عمران ۱۸۵**

و زندگی دنیا چیزی جز کالای فریبنده نیست .

«اعلموا، انما الحیوةالدنیا لعب ولهو وزینةوتفاخربینکم و...»

حدید ۱۹

Scanned with CamScanner

آگاه باشید بدرستیکه زندگی دنیا بازیچه وبیفایده است و ظاهری زیباوفریبنده داردو باعث فخرفروشی وتکبر و... است

البته لازم بتذکر استکه: این بدین معنی نیست که اسلام، گوشه‌گیری ورهبانیت را جایز شمارد. بعبارت دیگر و دقیق‌تر

(زندگی دنیا لعب ولهو هست، اما بیهوده ولغو نیست)

زندگی دنیا برای امتحان انسانها است.

«الدنیا مزرعة الاخرة» پیامبراکرم(ص)
«دنیا کشتگاه آخرت است».

انزواطلبی به بهانهٔ اینکه، دنیا پست وحقیر است، فرار از مسئولیت است وذلت دنیا وعذاب آخرت را در پی‌خواهد داشت، چه بجاست سخنان امام خمینی دراین مورد که:

« زندگی دنیا عرصهٔ امتحان انسانها است »
« این دنیا محل عبور است ، دنیائی نیست‌که در آن زیست کنیم ، اینجا «راه» است »

دنیا بدین صورت مذموم ومورد سرزنش استکه: انسان فکرکند، همهٔ زندگی در آن خلاصه میشود.

زندگی دنیا وخود دنیا فی‌نفسه، بدنیست، بلکه بستگی‌داردبه‌موفقیت یاعدم‌موفقیت انسانهادرشرافتمندانه زیستن و رضایت خدا را جلب‌کردن، یا ننگ و ذلت را پذیرفتن وبه زندگی دنیا راضی وخشنود شدن.

در زندگی‌دنیا، جامعهٔ انسانی وفردانسان درمعرض

Scanned with CamScanner

آزمایش قرار می‌گیرند، تا جامعه یکدست شده و منافق وکافر ومشرك از مؤمن وصالح، باز شناخته شده وتصفیه شوند. و همچنین فرد مؤمن وصالح، وجود خویش را از خصوصیات شیطانی و هوای نفس تزکیه‌کند وانگیزه و نیت خودرا برای رضایت خدا خالص‌تر نماید.

انسانها درکورهٔ گدازان پیچ‌وخمها وفرازونشیب‌های زندگی دنیا، گداخته میشوند، تا مشخص شود، که کدامین آنها پس از اقرار بـه‌زبان، مبنی بـر ایمان آوردنشان، در معرکهٔ عمل نیز به عهد خود به‌خدا وفادار و صادقند ؟

« رجال صدقوا ماعاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر ومابدلوا تبدیلا » احزاب ۲۳

یا از روی نفاق حرفی راکه بزبان می‌راندند، عمل نمیکنند ؟

« احسب الناس ان یترکوا ان یقولوا آمنا وهم لایفتنون »
عنکبوت

« آیا مردم پنداشتند ، همینکه بگویند ، ایمان آوردیم، رها می‌شوند ، ومورد آزمایش وامتحان قرار نخواهند گرفت»؟

قرآن در آیه‌ای‌که در ارتباط با جنگ‌بـدر است، مفهوم زندگی را چه زیبا می‌نمایاند آنجاکه می‌فرماید :

«یا ایهاالذین آمنوا استجیبوالله وللرسول اذادعاکم لمایحییکم»
انفال ۲٤

« ای‌کسانیکه ایمان آورده‌اید ، زمانیکه خدا وپیامبر شما را برای اینکه حیات واقعی ببخشند ، دعوت می‌کنند، آنها را

Scanned with CamScanner

اجابت کنید (دعوتشان را بپذیرید.) .

شاید در نظر ظاهری تعجب انگیز باشد. وقتی پیامبر مؤمنان را برای جنگ باکفار قریش، دعوت مینماید. جنگ بدر اولین جنگی استکه بین مسلمانان که تعدادشان ۳۱۳ نفر است ودارای تجهیزات بسیار مقدماتی هستند، از یك طرف وکفار قریش درمکه از طرف دیگر، که مجهز به‌جنگ افزارهای بسیار برتر و تعدادشان حدود هزار نفر یعنی سه برابر مسلمانان است، اما بادقت در مفهوم زندگی از دیدگاه اسلام، که حقیقت زندگی است، روشن میشودکه رفاه‌طلبی و آسایش‌جوئی بنام زندگی، زندگی نیست. در مواردیکه نگهداری دین خدا وپاسداری از اسلام، درگرو گذشتن مؤمنان از زندگی دنیا باشد، تن به‌ذلت دادن، زندگی آخرت را به‌زندگی دنیا فروختن، عین مرگ است ، زندگی کاذب است، مرگ مرموز انسانیت و ارزشهای والای انسانی است ودر آن مقاطع تاریخی ، مؤمنان باید زندگی واقعی را بپذیرند، اگر چه زندگی حیوانی وذلت بار ممکن ومیسر باشد!؟

« یا ایهاالذین آمنوا مالکم اذاقیل لکم انفروا فی‌سبیل الله اثا قلتم الی الارض ، ارضیتم بالحیوة الدنیا من‌الاخرة فما متاع الحیوة الدنیا فی‌الاخرة الاقلیل » توبه ۳۸

« ای‌کسانیکه ایمان آورده‌اید ، شما را چه شده است زمانیکه به شما گفته میشود درراه خدا بسیج شوید ، بسوی زمین سنگینی میکنید (مجذوب جاذبه‌های مادی ودنیائی میشوید) آیا به‌زندگی دنیا دربرابر آخرت خشنود شده‌اید (توجه‌داشته

Scanned with CamScanner

باشید) زندگی دنیا دربرابر آخرت چیز بسیار اندکی است».

مؤمن زندگی ذلت‌بار را زیرسایهٔ ستمگران مرگ میداند چرا که در عقیدهٔ او ستم وستمگر باید نابودشود و هرگونه سازشی باستمگر، بمنزلهٔ دست‌برداشتن از حیات واقعی است. ومگرنه اینستکه « **زندگی عقیده است وجهاد درراه پیاده نمودن عقیده** » لذا امام‌حسین(ع) که زندگی‌اش تبلور راستین زندگی معنوی و واقعی مدعی اسلام است، میفرماید :

« **انی لاری الموت الاسعادة والحیوة مع الظالمین الا برما** »
« من مرگ درراه خدا را جزخوشبختی نمی‌بینم وزندگی با ستمگران را جز بدبختی و نکبت نمی‌دانم »

و یا میفرماید :

«**موت فی‌عز خیر من حیوة فی ذل**»
« مرگ شرافتمندانه بهتر است از زندگی زیربار ذلت »

اختلاف بین دو دیدگاه :

پس از روشن شدن دودیدگاه کفر وایمان نسبت به زندگی، اکنون بسادگی به‌پاسخ سئوالهائی که در صدر این مقاله آورده شدند، دست یافته‌ایم .

کافران شیفته و فریفتهٔ زندگی دنیایند. کافران بندهٔ شهوتها ومطیع وپیرو هوای نفس هستند و عنان اختیارشان را ازکف داده وبرمرکب‌اسب سرکش‌وحریص نفس نشسته و به‌پیش میتازند. در نظر تنگ وکوتاه

Scanned with CamScanner

کافران ، نه‌تنها زندگی آخرت قابل توجیه نیست، بلکه اصولا هرگونه معنویت و عزت وشرافت و انسانیت رابه راحتی انکار می‌کنند، لذا مؤمنان را بـه‌واسطهٔ اینکه زندگی‌را مفهومی دیگر میدانند، بلکه‌عملاآنگونه زندگی میکنند که‌کافران از پشت عینك شهوترانی و منفعت‌ـ طلبی ودنیاپرستی، چشم دیدنش را ندارند .

مؤمنان **شهادت** را زندگی میدانند اماکفار نمیدانند و نمی‌فهمند :

« ولاتحسبن الذین قتلوا فی‌سبیل‌الله امواتا بـل احیاء عند ربهم یرزقون » آل عمران ۱۶۳

«ولاتقولو لمن‌یقتل فی‌سبیل‌الله اموات بل‌احیاءولکن‌لایشعرون» (۱۴۹ بقره)

کافران انگشت‌حیرت بردهان‌واما نده‌اند ووارفته‌اند که این چگونه زندگی‌کردن است،که ما مرگش می‌نامیم.

آنان بخاطر کوتاه‌بینی‌شان، بلکه کوری وکری‌شان که قدرت درك حقایق را ندارند.

« صم بکم عمی فهم لایعقلون » بقره ۱۶۶

وبدلیل سوء برداشت واختلاف دیدشان نسبت بـه زندگی، مؤمنان را به‌باد استهزاء می‌گیرند :

«زین‌للذین کفروا الحیوة الدنیا ویسخرون من‌الذین آمنوا و الذین‌اتقوا فوقهم یوم القیمة والله یرزق من‌یشاء بغیر حساب» بقره ۲۱۲

«زندگی دنیا درنظر کافران، آراسته وزیبا جلوه‌کرده ومؤمنان را مسخره میکنند ـ وآنانکه تقوی پیشه‌کنند در روز قیامت

Scanned with CamScanner

در درجاتی‌که فوق کافران است ، قرار خواهندگرفت وخداوند به‌هرکس بخواهد بدون حساب روزی میدهد. (که قابل‌قیاس با محاسبات ظاهر بینانه ومادی نخواهد بود) .

کافران منتهای آمال و آرزوهای خویش را درزندگی دنیا می‌بینند وزندگی دنیا درنظرشان بسیار زیبا است، لذا مؤمنان راکه با دیدی ژرف وعمیق ووسیع به‌حیات و زندگی می‌نگرند، مسخره می‌کنند. اگراندکی توجه کنیم و سمپاشیهای مسموم شبکه‌های تبلیغاتی راگوش کنیم و اگر سخن پراکنیهای رسانه‌های کفرآلود جهانی را گوش عبرت فرادهیم، خواهیم دیدکه چه ظریف ودقیق است، بیان‌قرآن.خواهیم دیدکه‌آنها چگونه ملت‌مؤمن‌ومستضعف ایران راکه به‌دعوت خداو پیامبر درپذیرفتن زندگی‌واقعی بدور ازستم کافران بیگانه، لبیك گفته‌اند، آماج‌مسخره‌های خود قرار داده‌اند .

طبق محاسبات آنان شعار «**شهادت زندگی است**» که از حلقوم پاك ومطهر مجاهدان راه خدا در آسمان ظلمت وزمین ظلم‌کافران، طنین انداز شده، مسخره جلوه میکند اما آن زمان بزودی فراخواهد رسید که متوجه میشوند که مؤمنان عرصهٔ جهان را برزندگی دنیائی پست آنان، تنگ خواهد نمود وگسترش و تداوم انقلاب اسلامیمان برهبری «ولایت فقیه» که زندگی شرافتمندانه وواقعی مؤمنان ومستضعفان را درپی‌خواهد داشت، همچون سدی مانع توسعه‌طلبی کافران خواهد بود.

Scanned with CamScanner

آری، مؤمنان باشرط رعایت وحفظ تقوی‌که همانا دلخوش و خشنود نشدن به‌زندگی دنیا ورها شدن ازقید اسارت وبندگی شیطان وهوای نفس است، در روز قیامت در درجه‌ای مافوق کفار قرار خواهند گرفت (اشاره به آیهٔ فوق‌الذکر)

چه، در قیام انقلاب‌ها وخیزش‌های اسلامی در دنیاکه، کافران را به‌خاك مذلت وخواری خواهند نشانید و بر آنان سروری خواهندکرد، که این وعدهٔ خـدا است و چه در روز قیامت موعود ورستاخیز، که کافران دچار عذابی دردناك و جاودان خواهند شد، مؤمنان باقیام خود (جهاد) روح در کالبد جامعه دمیده ونفس ستمگران وکافران را قطع خواهندکرد وزمین را ازلوث وجودشان پاك خواهند کرد .

« مؤمنان باید با کافرانیکه زندگی دنیا را به آخرت فروخته‌اند ، بجنگند»

«فلیقاتل فی‌سبیل‌الله الذین یشرون الحیوة الدنیا بالاخره و من یقاتل فی‌سبیل‌الله فیقتل اویغلب فسوف نؤتیه اجراً عظیماً»
نساء ۷۶

« پس باید بجنگید درراه خدا باکسانیکه زندگی دنیا رابقیمت از دست دادن آخرت خریده‌اند . وهر یك از شما «مومنین» را چه درپیروزی «**جهاد** وفتح» وچه در «**شهادت**» پاداشی‌بزرك در انتظار است» .

شهدا : پیشتازان این نبردندکه در پی هجرت و جهاد درونی و بیرونی ازبندگی شیطان‌وغیرخدا رها می‌شوند.

Scanned with CamScanner

جهاد تلاش برای زندگی حقیقی است و
شهادت شورانگیزترین مرحله واوج زندگی است.

شهید عاشق شهادت است و شهیدان« **عاشقان شهادت** »
شهید لذت عشق به‌خدا ولقاء پروردگار را می‌چشد.

شهادت : آغاز زندگی جاوید است وشهید زندهٔ جاویداست.

شهید : درپی‌رستن از قید زمین وزندگی دنیا فراغ‌بال به‌حرکت‌ورشدو بالندگی خویش‌درآسمان بی‌نهایت‌عبودیت پروردگار پرواز میکند واوج می‌گیرد وبرقلهٔ رستگاری **شهادت** می‌نشیند و ما شرم درچهره وحسرت در دل، خیل شهدا را درملکوت آسمانها تماشا می‌کنیم .

شهید : حیاتی راکه محمد (ص) بنیانگذارش بود ـ وحسین بن علی (ع) وشهیدان کربلاآن‌را تداوم بخشیدند و در طول تاریخ یارانی را که ندای **هل من ناصر ینصرنی** حسین(ع) را شنیدند و بگوش دل خریدند، آنرا ادامه دادند ـ پذیرا گشته است .

خونی‌که از کربلا جوشید، در همه جای زمین و در هر روز تاریخ شیعه جریان یافته است .

جویبار خون شهدا در پهنهٔ جغرافیائی مسلمانان منتشر شده ودر پیکر نسلهای تاریخ، زندگی می‌بخشد وافسردگی ومرگ‌کافران ومنافقان‌را به‌ارمغان می‌آورد.

شهید حاضراست وزنده وباحضوروزندگی‌اش‌ازانقیاد وانجماد نسلها در بستر تاریخ جلوگیری میکند و خیزش

Scanned with CamScanner

و حرکت و انقلاب، در متن جامعه و درون انسانها بوجود می‌آورد

شهید زنده است و زندگی بخش

شهید آزادگی وغیرت، مردانگی‌وحرکت را دراندام مستضعفین می‌اندازد و تعهد وایمان را در مسلمانـان می‌افزاید .

شهید با شهادتش داغ ننگ ونفرت ورسوائی را برپیشانی کافران تاریخ میزند ودرفش سرخگون حق را برفراز قله‌ای‌که در انتهای تاریخ است‌ودر هر مقطعی از تاریخ برارتفاع رفیع عزت وشرف امت، برافراشته و شکوه و عظمت زندگی را بنمایش می‌گذارد .

Scanned with CamScanner

قسم به لحظهٔ معراج عاشقان حسینی
قسم بسنگر خونین یاوران خمینی
قسم بجام شفق گون لاله‌های دمیده
قسم به چهرهٔ گلگون راهیان سپیده
قسم به قصهٔ جانکاه دستهای بـریده
قسم بزینب محزون که عمق فاجعه دیده
قسم بزخم شکوفای قلبهای شکسته
قسم بتیغ سپیده که قلب شب بدریده
قسم به پینهٔ دستان پاره پارهٔ خسته
قسم بدیدهٔ گریان، که تو راشك تنیده
قسم بگرمی جانبخش آیه‌های رهائی
قسم به بانگ رسای طلایه‌های رهائی
قسم به رایت خونین خلقهای رهیده
قسم به خون شهیدان و قلبهای دریده
که در شکوه شکوفای لاله گونهٔ یاران
که در صفیر خروشان آذرخش سواران
بخاك کشور قرآن «ایران» چو خصم پای گذارد
به جبهه لاشهٔ بیجان خویش جای گذارد

Scanned with CamScanner

زندگینامه

شهید :

«مرتضی خانمحمدی»

بسم رب‌الشهداء والصالحین

آنکس که تو را شناخت جان را چه کند؟
فرزند و عیال و خانمان را چه کند ؟
دیوانه کنی هر دو جهانش بخشی
دیوانهٔ تو هر دو جهان را چه کند ؟

زندگینامهٔ این شهید شاهد را با عباراتی از خودش آغاز میکنیم :

« سلام‌گرم من برتوای امام زمان ، ای‌خصم دشمنان (دین) ای یار مستضعفان ، ای حجت ثانی عشر ، ای مهدی‌جان سلام گرم من برتو ای خمینی کبیر. ای ابرمرد وسلام برشما ای شهیدان و ای مجروحین دست وپا از دست داده ای خمینی کبیرم : فرمان بده‌که ماهمه سرباز امام زمان وجانبازتوایم. حکم‌کن‌که همه جان برکف بادشمنان اسلام وخدا می‌جنگیم. همچنانکه خداوند امر میکند و میفرماید :
« فقاتلوا اولیاء الشیطان ان‌کیدالشیطان کان ضعیفاً»
«۶۰/۱۱/۱۸ سرپل‌ذهاب»

Scanned with CamScanner

شهید مرتضی‌خان محمدی فرزند غلامحسین اول‌سال ۱۳۴۳ در شهرکرج بدنیا آمد، استعداد، هوش وذکاوت او از همان اوان طفولیت نمودار گشت بطوریکه هنوز بخوبی سخن‌گفتن نمی‌دانست اما مسجد میرفت وسرود می‌خواند از ۵ سالگی وارد برنامه‌های مذهبی گردید، چون در یك خانوادهٔ مذهبی تربیت شده بود ازابتدا طرفدار ومقلد امام خمینی ومروج خط او بود قبل از انقلاب درپخش رساله، عکس، نوار واعلامیه‌های امام به برادرانش کمك میکرد. به‌مسجد ومجالس مذهبی، سخنرانیها کلاس‌های آشنائی باقرآن ومکتب و تفسیر قرآن ومطالعات مذهبی علاقهٔ خاصی داشت کتب تاریخی اسلام‌رابسیارمطالعه میکرد، ازصدای دلنشینی برخوردار بود بطوریکه بارها درمسابقات قرآن وسرود از همه‌گوی سبقت را ربوده بود او سرپرستی گروههای سرود را عهده‌دار شد وبیشتر وقت خودرا صرف نونهالان‌انقلاب میکرد تا بتواند استعدادهای خفته ونهفته آنان را در مسیر اسلام وانقلاب شکوفا سازد او این وظیفه رابنحو احسن به‌انجام میرسانید پس از آشنائی باقرآن برای نونهالان کلاس قرآن می‌گذاشت وتدریس می‌نمود. او معلمی بودکه دانش‌آموزان می‌خواستند وبهمین جهت همه به‌او علاقه‌مند وبا او دوست بودند آنان را درروش سخنوری، مقاله‌نویسی، هنرروزنامه‌نگاری، سرودن

Scanned with CamScanner

شعر ودکلمه آموزش میداد او یك هنرور خوب و متعهد بودکه هنرش را درخط اسلام عرضه میکرد، درنمایشنامه نویسی و نمایش تئاترهای آموزنده و همچنین خطاطی و تابلونویسی وارد ومربی بود.

علاقه داشت پس از اتمام درسش به‌حوزهٔ علمیه‌رفته و مشغول تحصیل علوم دینی شود. اما اولیاقتی بیش از این داشت، حوزه برای او خوب بود اما کافی نبود.

۱۰ سال در جلسات مذهبی ضدرژیم طاغوت وکانون ولی عصر (عج) ومسجد امام کرج قبل از انقلاب ودر جهاد، بسیج، فرمانداری، حزب و کلاسهای آموزشی در بخشها ودهات کرج بعد ازانقلاب تلاش وجهادکرد. به بدن‌سازی کوه‌نوردی، تیراندازی علاقه‌مند بود ودرمسابقات، اول شد. سال‌دوم نظری رادرمدرسهٔ شهید عالم بخش می‌گذرانید که عشق جهاد وشهادت او را از رفتن به‌مدرسه بازداشت وپس از گذرانیدن یك دورهٔ کامل آموزشی رزمی عازم جبهه‌های غرب‌گردید مدت ۳ ماه درجبهه نیز آرام‌نگرفت وبا تشکیل کلاسهای آشنائی باقرآن واحکام جلسات دعای توسل وکمیل دین خود را به‌دین ومملکت وامام وامت ادا نمود. ایام فروردین سال ٦١ از جبهه برگشت وباردیگر پس از٦ روز مشتاقانه‌وحتی بدون خداحافظی ازدوستان عازم جبهه‌های فکه وخرمشهر شد او امیدداشت‌که خود خرمشهر رافتح کندچنانکه‌دریکی از نامه‌هایش‌می‌نویسد:

Scanned with CamScanner

«نیروی دشمن بسیار ضعیف واز هم پاشیده است و اگر یك حملهٔ وسیع بکنیم بزودی فکه و بعد خرمشهررا (که چراغهای آن شبها روشن است) آزاد خواهیم کرد انشاءالله بدست خدای بزرگ» اما قبل از آنکه بشهر خرم خون برسد باخون خرم‌خویش راه فتح خرمشهر را هموار نمود وذره ذره‌های بدن خونبارش بزیر تانکهای مزدوران امریکائی صدام سرود فتح خواندند .

در آن لحظاتی‌که از فرط تشنگی لبهایش خشك‌شده بود وقدرت تکلم نداشت تافریاد «**لبیك یا ثارالله**» راسردهد بدن قطعه قطعهٔ بی‌سرش وخون سرخش این‌ندا را سرداد که «**الان نصرالله لقریب**»

سراز بدن‌جدا شدهٔ متلاشی‌اش فریاد پیروزی وبانك تکبیر سرداد وخون جاری‌اش برصحرای داغ کربلای فکه وبرروی لباس رزمش نقش گل لاله‌ای را برنگ خون نقاشی کرده بود. مرتضی دراولین مرحلهٔ عملیات غرور آفرین بیت‌المقدس در تاریخ ۶۱/۲/۱۰ در بیابانهای گرم وخشك فکه بالب تشنه وبدن مجروح بزیر تانك دشمن بدرجهٔ رفیعهٔ شهادت نائل‌گشت. «روحش شاد و راهش پر رهرو باد»

Scanned with CamScanner

اگر بـا من همهٔ عـالم ستیزند
اگر با تیغ کین خونم بریزند
اگر با آتش و خون خو بگیرم
اگر عطشان لب دریـا بمیرم
اگر دشمن ز من گیرد سرم را
اگر صد پاره سازد پیکرم را
اگر چو شمع سرتاسر بسوزم
اگـر در انجمن تنهـا بسوزم
اگر آهم رسد بر چرخ گردون
اگرخاموش‌شوم‌درخاك ودرخون
بغیـر از بنـدهٔ داور نگـردم
ز خط سرخ رهبـر بر نگردم
بجـان عترت و آیـات قـرآن
به‌قدر وکوثروهم نجم وفرقان
به میثاق و غم ودرد و بلاهـا
بـه عـاشورا تمام کربلاهـا
بـه خـون آیة الله بهشتی
به‌گلگون طلعت آن ماه بهشتی
بـه یـاران سر افراز امـامم
بـه ۷۲ سربـاز امـامم
به مهر پـر فروغ روشنائـی
چـراغ محفل دلهـا رجـائی

Scanned with CamScanner

به اشك ديدهٔ صاحب نظرهـا
به جسم چاك چـاك باهنرهـا
بخون آن شهيد پـاك محـراب
كه وقت ظهرجمعه رفت‌ازتاب
به سربازی كـه هنگام شهادت
خدا را می‌كند در خون عبادت
خدايا يـاور رزمندگان بـاش
نگهدار امـام بت شكن بـاش

Scanned with CamScanner

بقلم همسنگر :

بنام خدا

عصر روز سوم فروردین سال ۶۱ به‌اتفاق دیگر برادران از تهران برای عزیمت به‌جنوب حرکت کردیم روز چهارم ساعت ۲ بعد ازظهر از قطار پیاده شده و بعد از چند ساعت به‌پادگان مبارزان اهواز رفتیم و برای چند روزی درآنجا منزل‌گزیدیم صبح روز هشتم فروردین همهٔ کسانیکه قبلا در جبهه‌ها بوده‌اند که ما نیز جزو آنها بودیم عازم جبهه‌ها شدیم و به‌شهرك خلخال رفتیم بعد از چند روزی‌که در شهرك خلخال ماندیم روز ۶۱/۱/۱۱ ما را مسلح کردند وبعد ازچند ساعتی برای خط مقدم حرکت‌کردیم حدود ۵ ساعت باماشین جلو رفتیم تا در تپه‌های میشداق رقابیه مستقر شدیم روزها و شب‌ها بطور زنجیروار می‌گذشتند وکم‌کم با اخلاق و رفتاریك یك برادران بخصوص کسانیکه دریك سنگر بودیم آشنا می‌شدیم از جملهٔ این‌افراد «شهید مرتضی» بودکه رفتار واخلاق جدای از بقیه داشت. او همیشه بکار خود مشغول

Scanned with CamScanner

بودو بیشتر از هر چیز وقت خود را به مسائل اعتقادی وارشاد دوستان صرف می‌کرد وقتی به نماز می‌ایستاد (بااینکه همه در سنگر جمع بودیم و هرکس بکاری مشغول بود) گوئی او تنها در بیابانی و بدون اینکه کسی دراطرافش باشد به راز و نیازمی‌پرداخت نمازش را مخصوصاً سجده‌هایش را بسیار طول میداد وآنگاه که برای قنوت دستها را بلند میکرد مدت زیادی همچنان راکد و بی‌حرکت ایستاده بود وحرف می‌زد. ازجمله چیزی‌که هیچگاه‌ودرهیچ نمازی‌فراموشش نمی‌شداین بودکه ۳بارمیگفت

«اللهم ارزقنا توفیق الشهادة فی‌سبیلك»

وآنگاه‌که این جمله‌ها را برزبان میآورد از خود بیخود می‌شد وهمچنان باخدای خود راز ونیاز می‌کردگوئی او به جبهه آمده بود تا شهید بشود وشهادت را تنها رمز موفقیت خود میدانست، هرشب جمعه دعای کمیل در داخل سنگرها برقرار بود ازسنگرهای دیگر به‌سنگرما می‌آمدند تامرتضی را برای خواندن دعاپیش خود ببرندو برسر این موضوع بعضی اوقات‌کشمکش درمی‌گرفت وخلاصه مرتضی باآن اخلاق دوستانه وروح بزرگش هردو طرف را قانع‌میکرد وبرای خواندن دعای کمیل به‌یکی از سنگرها میرفت

آنگاه‌که کتاب را برداشته ودعا می‌خواند همهٔ بچه‌ها روحی خدائی پیدا می‌کردند

و اشکهای همچو باران از چشمانشان سرازیر میشد او دربعضی از اوقات فراغت به‌نامه نوشتن وازاین

Scanned with CamScanner

قبیل کارها مشغول میشد البته نه بدین علت که نامه‌ای نوشته باشد بلکه ازاین طریق ازجبهه بابچه‌ها تماس حاصل میکرد تا بازهم توسط نامه اسباب هدایت آنان و راهنمائیشان گردد. دفتر را برمی‌داشت و می‌نشست وقلم بدست میگرفت گوئی پیام بس دشواری را می‌خواهد بنویسد بسیار فکرمیکرد و بهترین جملات‌را در بزرگترین مفاهیم برای دوستان مینوشت وقلوب آنهارا متوجه جبهه‌ها میساخت واوکه خودرا ساخته بود بدین طریق به‌ساختن جامعه و دوستان خود می‌پرداخت. نیروی جاذبهٔ اوچنان قوی وکارگر بودکه در همه حال وهمه‌جا با اخلاق بچه‌ها میساخت تا اینکه آنها را بسازد دراین مدت‌که بااو بودیم چهرهٔ اوراحتی برای‌یك لحظه‌هم ناراحت مشاهده‌نکردیم آری مرتضی باچنین روحیه واخلاقی وایمانی درشب دهم اردیبهشت برای شرکت در نبردی سخت ودشمن شکن در اولین عملیات بیت‌المقدس حرکت‌کرد. راه‌بسیار طولانی ودشمن به‌قوی‌ترین و مجهزترین سلاح تا دندان مسلح بود به‌نیت آخرین بار درنماز باخدای خویش رازونیاز کرد وآنگاه همگی سلاح‌دردست بافرمان فرمانده حمله برقلب دشمن را آغاز نمودند. اوبااینکه ۱۷ سال بیشتر نداشت وجثه‌ای نسبتاًکوچك داشت بردشمن هجوم برد و بعد از ساعتها جنك وجهاد درکنار رودخانه بـا تحمل ساعتها تشنگی‌وگرسنگی‌وخستگی مفرط به‌آرزوی‌دیرینهٔ

Scanned with CamScanner

خودکه شهادت بودرسید. مرتضی درزندگی بسیارمظلوم بود و بهمین جهت مظلومانه درزیر تانکهای دشمن دژخیم جان سپرد وهمچون رهبرش امام حسین(ع) بابدنی پاره پاره وبی‌سر درکربلای فکه وخرمشهر در خون خود غلطید مهمترین پیام او یاری از امامش بود ودرهیچ دعا و نمازی نبود که امام را دعا نکند همیشه هنگام نمازچندین بار رهبر را دعا می‌کرد وبا شناختی‌که از امام داشت دلباختهٔ او شده بود.

او امام‌را **قلب خود** که‌قلب۳٦ ملیون نفر امت‌مسلمان ایران و قلب تمام مستضعفین جهان میدانست .

یادش گرامی و درجاتش متعالی باد

Scanned with CamScanner

خصوصیات او :

فرزندی متین ، باوقار ودرستکار برای پدر ومادر وخانواده‌اش وعضوی فعال ودلسوز وخستگی ناپذیر از اجتماع بود .

جوانی چابك و پر تحرك بود که روح عصیانگر و ناآرامش هیچگاه به‌او اجازهٔ استراحت و خواب و ماندن درخانه واستفاده از لذائذ دنیا را نمی‌داد. در وجودش هرگز سستی ، افسردگی وخموشی نمی‌دیدی جوانی‌کم سن وسال بود اما تجربه‌های تلخ بسیار وروحی بزرگ وقلبی باوسعت و همتی والاداشت برای او این مهم بود که چقدر میتواند خدمت‌کند ومثمر ثمر باشد و همیشه به‌میزان کارآئی خود در جامعه می‌اندیشید، بکار خود در رشد وپرورش نونهالان عشق می‌ورزید ومعلمی بودکه با ایثارخون خویش به‌دانش‌آموزان درس‌عزت وفداکاری آموخت‌کمتر فرزندی است از محدوده‌های مورد فعالیت اوکه نشناسدش .

روح تقوی و عبادت :

مرتضی جوانی پاك، مؤمن، مقید، متعصب و آگاه

Scanned with CamScanner

واهل دعابودبه نماز ونیایش (چنانکه درعباراتش خواهید خواند) بسیار اهمیت میداد وبه دیگران نیـز سفارش میکرد چنانکه در مقاله‌ای می‌نویسد :

«دعاکنید که شهادت نصیبم شود. امام را دعاکنید.»
«کسی‌که به جبهه میرود وبرای خدا می‌جنگد وبرای اسلام جان میدهد پایهٔ کارش نماز است.»
«آیا میشود سقفی بدون دیوار وستون باشد؟»
« نماز استکه انسان را ازگناه دورمیکند وکسی‌که کاری‌برای خدا بکند ونماز نخواند (کارش) بیفایده است نه‌تنها ثوابی ندارد بلکه‌شاید گناه هم‌داشته باشدچون‌کسی‌که‌نمازنخواند... یعنی خدا را قبول ندارد وجنگش هم برای خدا نیست بلکه برای مردم است» ۲۴ر۱ر۶۱ جبههٔ رقابیه

اخلاق اسلامی :

شهید مرتضی متخلق به‌اخلاق خدائی واسلامی بود وبسیار دقیق از گناهان نظری وعملی صغیره وکبیره اعراض می‌کرد وبه دوستانش نیز دراین مـورد بسیار سفارش‌می‌نمود. چنانکه‌ازجبهه برای یکی‌ازآنهامینویسد:

« اگر غیبت‌کنی اجرت ضایع شده وگناهانت بیشتر میشود چون خداوند میفرماید : «کسی‌که غیبت‌کند مانند آنست‌که گوشت برادر مردهٔ خودرا خورده باشد» (۱)
« وهمهٔ امامان شیعه غیبت راگناهی بزرك شمرده‌اند.»
«۶۱/۱/۲۴ جبههٔ رقابیه»

برای یکی از دوستان همرزم نوشته است :

---

(۱) ایحب احدکم ان یأکل لحم اخیه میتاً فکرهتموه... «قرآن»

Scanned with CamScanner

«اخرین دیدارها را ۳ نفری درخانهٔ شهید خراسانی بودیم و تصفیه حساب اخلاقی میکردیم.» ۶۱/۲/۶ رقابیه

حسن خلق و نوعدوستی :

کمتر آشنائی است که از برخوردهای انسانی، اسلامی مرتضی سخن نگوید. بسیار خوشرو و خوش برخورد بود واز جاذبه‌های قوی برخوردار بود بطوریکه همیشه لبخند برلبانش بود وچهره‌ای شادان داشت و بهمین جهت بسیار جوانها جذب او می‌شدند وچه جوانهائی که پس از مدتی کجروی وانحراف هنگام آشنائی بامرتضی دست‌از اعمال قبلی شسته و در سبیل هدایت قدم می‌گذاردند و پس از مدتی عازم‌جبهه‌ها میشدندومرتضی بهمین‌شکل توانست تعدادی ازجوانهای جامعهٔ خودرا ازفساد وگناه‌وگمراهی به‌سوی نجات و نوررا‌هنمائی‌کند چنانکه از صحنهٔ رزم برای یکی از آنها چنین مینگارد :

« ما باید خیلی سعی‌کنیم که خودرا از فسادها وگناهان حفظ کنیم ما چگونه میخواهیم انقلابمان را بجهان صادرکنیم در حالیکه هنوز خودمان انقلابی نشده باشیم؟ و همان اعمال زمان طاغوت را انجام دهیم؟ آری ، باید خودرا ساخت . اگر ما مثل زمان پهلوی باشیم چه فرقی باسربازان عراقی داریم؟ آنها بافحش همدیگر را صدا می‌کنند، غیبت می‌کنند، دروغ میگویند. کارهای ناروا می‌کنند وماکه باآنها می‌جنگیم باید ازاین‌کارها جدا باشیم.» «۶۱/۱/۲۴ جبههٔ رقابیه»

عشق به امام زمان وامام خمینی :

شهید خان‌محمدی شیفته امام زمان(ع) وفدائی اهام

Scanned with CamScanner

خمینی بودوچنانکه قبلاخواندید هیچگاه نمی‌شدکه بدون دعا برای امام ازنماز ونیایش فارغ شود وبقول یکی از همرزمانش بیش از همه بچه‌ها عاشق امام زمان و جان نثار نایب او بود چنانکه خود او می‌نویسد :

«اینجانب جان برکف خمینی، سرباز امام زمان (عج) ودلباختهٔ خداوند کریم هستم» «۶۰/۱۲/۳» جبههٔ غرب

باز به‌یکی از دوستانش بعنوان نصیحت می‌نویسد :

« ماکه سرباز امام‌زمان (عج) شده‌ایم باید برای دیگران‌نمونه باشیم وقتی‌درخیابان راه‌می‌رویم (مردم) بپرسند، اینهاکیستند که اینقدر سربراه ومظلوم وخوبند؟ ودیگران (درجواب) **بگویند :**
اینها حزب‌اللهی هستند ..... سرباز امام زمان (ع) و جان برکف خمینی هستند .» «۶۱/۱/۲۴» شوش

دربارهٔ امدادهای غیبی :

میدانیدکه حملهٔ فتح‌المبین چه حملهٔ با عظمتی بود وباید بعرض برسانم که :

« عامل این پیروزی‌ها چیزی جز امدادهای غیبی خداوند و فرماندهی حضرت مهدی وکمکهای مردم ایثارگر واهداء خون شهیدان نیست» «۶۱/۱/۲۲» رقابیه

پیام به مادر :

«مادر باوفایم : مطمئن هستم که (از اعزام من به جبهه وشهادتم) ناراحت و غمگین نیستی و این باعث

Scanned with CamScanner

افتخار من است و پیش دوستان تعریف می‌کنم که چگونه مادرم از آمدن من به‌جبهه خوشحال وراضی بود و باخنده میگفت «بروخدانگهدارت».

« مادرم : میدانم‌که تو بخاطر این فداکاری اجری عظیم داری»

قد سروت الهی خم نگردد دل شادت الهی غم نگردد

قدردانی از ملت :

«من نمی‌دانم باچه زبانی ازشماکه در پشت جبهه هستید تشکرکنم چون تمام تدارکات ما ازنان‌گرفته تا غذا و پوشاك بدست شما ملت غیور تهیه میشود انشاءالله که اجرتان را از خداوند بگیرید. من بجای شما انتقام تمام دوستان شهید را خواهم‌گرفت. قول می‌دهم حتماً»

عشق جهاد و شهادت :

همانطورکه تاکنون برای‌شناخت این‌شهید ازعبارات خودش استفاده‌کردیم دراین بخش نیز بیشتر از بیش نوشته‌های او راکه طراوش یافته از طرز فکر وایده‌ها وخصوصیات اوست برای معرفی او وآگاهی از هدفش برای شما می‌آوریم :

شهید مرتضی عاشق جنك وشهادت درراه خدا بود چنانکه خود او می‌نویسد :

Scanned with CamScanner

« میل ندارم ازجبهه برگردم چون شبها کـه در سنگر هستم احساس می‌کنم‌که شهید ابوطالب (ازدوستان شهید) درکنارم نشسته است روح اومرا می‌طلبد ومی‌خواهدکنارش بمانم.»
۶۰/۱۱/۲۹ جبههٔ علی‌بابا

دربارهٔ اثرات اخلاقی جبهه مینویسد :

«برادرجان : جبهه جای بسیار مقدسی است وجای خودسازی است. همیشه درحال عبادت خدا بودن ودور ازگناه بودن‌است. جائی‌که همه جان‌برکف درراه خدا جهاد می‌کنند.»
۶۰/۱۱/۶ غرب

«کسی‌که به جبهه میرودگناهانش بخشیده شده ودعـاهایش مستجاب میگردد»

«درجبهه همیشه جنب‌وجوش وپیشروی وکشته‌شدن وکشتن وجوددارد و ما به‌اینها عادت‌کرده‌ایم.» ۶۰/۱۱/۳

«خیلی ناراحت وغمگین هستم‌که همهٔ دوستانم مثل ابوطالب ومحمود شهید شدند ومن مانده‌ام.» ۶۰/۱/۳۰ رقابیه

«احساس می‌کنم که هنوز خدا مرا نبخشیده است چراکه اگر بخشیده بود اکنون من هم‌کنار (شهید) افشار بودم.»
۶۱/۲/۶ ٤روز قبل‌ازشهادت

« برادرعزیز : اکنون‌که نامه می‌نویسم دلم پراز خون است. همیشه بیادشهیدان هستم، شهیدان‌چهارصددستگاه. ابوطالب محمود، افشار»
۶۱/۲/۶

«اکنون که قلم بدست‌گرفته وبرایتان نامه می‌نگارم هنوزخون شهیدان خشك نشده است وداغی بزرك بردل محزونم افزوده شده است .»

روز ۲۸ فروردین روزی بود بسیار دردناك، چرا که ۲ نامه ازکرج حاوی خبرشهادت محمود خراسانی بود هنوز غم او دردلم بودکه غمی دیگر برآن نشست (شهادت

Scanned with CamScanner

حسین افشار) ۶۱/۲/۶ چهار روز قبل از شهادت

توضیح اینکه شهید مرتضی با ۵ نفر دیگر دوست صمیمی بودکه هر ٦ نفرشان یکی پس ازدیگری بشهادت رسیدندکه بترتیب شهادت نامشان را ذکر می‌کنم :

۱ــ ابوطالب شفیعی سن ۱۵ سال ۲ــ محمود خراسانی سن ۱٦ سال، ۳ــ عباس خوشگو سن ۱۷ سال، ٤ــ حسین افشار سن ۱۷سال، ۵ــ مرتضی‌خانمحمدی سن ۱۷ سال، ٦ــ احمد عربی سن ۱۷ سال.

ایثار در جبهه‌ها :

درنامه‌ای مینویسد : **یك ایثارگری را برایتان شرح میدهم :**

« وقتی شهید افشار و٦نفر دیگر به‌میدان مین رفته بودند برادر عین‌آبادی (که‌شهیدشد) هنگامیکه داشت مین راخنثی‌میکرد مین‌ازدست‌او باچاشنی‌بسته بزمین می‌افتد **اوفوری خودرا برروی مین میاندازد تا باکشته شدن خود ازصدمه‌رسیدن به‌دیگران جلوگیری کند** ولی مین اورا به‌آسمان می‌برد و چند تکه می‌کند و به افشارکه‌کنار او بود وچند نفر دیگرآسیب می‌رساند وباعث شهادت حسین افشار وناقص‌العضوشدن ۵ نفر دیگر میشود» «٦۱/۲/٦».

آری شهید مرتضی خان‌محمدی فعالیت خودرا از کودکی درمسجد امام وکانون ولی‌عصر(عج) آغاز کرد واز شاگردان روحانی متعهدوآگاه ومبارز حجةالاسلام جنتی بود و در دامان او درس مبارزه آموخت وپرورش یافت.

Scanned with CamScanner

او خیلی زود و سریع به‌رشد و بلوغ فکری و دینی رسید وزود عاشق خدا وشهادت‌گشت در وصیت‌نامه‌اش که در صفحات بعدی چاپ شده است خود به عشقش‌اشاره کرده است و بهمین علت شهادت را برگزید. در پایان تمام نامه‌هایش کلمهٔ «**مشتاق شهادت**» بچشم میخورد .

اوکه ازخیلِ «**عاشقان‌شهادت**» بودبه‌معشوق رسید در حدیث قدسی‌که ذیلا می‌آوریم می‌فرماید هرکس عاشق خدا شود خداونداورا پیش خود می برد وخداوند مرتضی را پیش خود برد. بدان امیدکه پاسدار حریم اسلام و قدردان خون شهیدان و تداومگر راه وهدف مقدس آنان **باشیم**. اللهم ارزقنا توفیق الشهادة فی‌سبیلك.

هرکس احساس نیازکند ومرا جستجو کند خواهد یافت وهرکس مرا یافت دوستدارم خواهد شد و هرکس مرا دوست داشته باشد **عاشق من میشود** وهرکس که عاشق من شود من نیز **عاشق او می‌شوم** ومن عاشق هرکس شوم (دراین راه) اورا خواهم کشت **(شهادت)** وهرکس راکه من بکشم خونبهایش را بعهده میگیرم و **خونبهای شهید خودم (خدا) هستم** .

Scanned with CamScanner

حدیث قدسی :

مَنْ طَلَبَنِی وَجَدَنِی وَمَنْ وَجَدَنِی
عَرَفَنِی وَمَنْ عَرَفَنِی اَحَبَّنِی وَ
مَنْ اَحَبَّنِی عَشِقَنِی وَمَنْ عَشِقَنِی
عَشَقْتُهُ وَمَنْ عَشَقْتُهُ قَتَلْتُهُ
وَمَنْ قَتَلْتُهُ فَعَلَیَّ دِیَتُهُ وَ
مَنْ عَلَیَّ دِیَتُهُ فَاَنَا دِیَتُهُ

Scanned with CamScanner

شهید ما شهید ما عازم شدی به جبهه‌ها
رفتی تو پیش انبیاء دیدار کردی با خدا
ای مرتضی ای مرتضی ای کشتهٔ راه خدا
رفتی تو پیش مصطفی اما بگو تنها چرا
ای کربلا ای کربلا رزمندگان در جبهه‌ها
گویند هر دم این ندا مهدی بیا مهدی بیا
خون گشته داغستان ما گلگون شده بستان ما
خون شهیدان می‌چکد شد کربلای ما بپا
مزدورکسان داخلی منافقین ظاهری
آتش زدند خوبان ما یاران قرآن و خدا
اینهمه خون وخون وخون دشمن را بگرفته جنون
در کربلای حزب خون در نینوای صالحون

Scanned with CamScanner

قالَ علی علیه السلام:

اَلجِهادُ بابٌ مِن اَبوابِ الجَنَّةِ

فَتَحَهُ اللهُ لِخاصَّةِ اَولیائِهِ وَ

هُوَ دِرعُ اللهِ الحَصینَةُ وَ

جُنَّتُهُ الوَثیقَةُ.

جهاد دری از درهای بهشت است که خداوند

فقط برای اولیاء مخصوص خود آن را

می گشاید ...

Scanned with CamScanner

متن وصیتنامهٔ

شهید مرتضی خان‌محمدی

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«الذین آمنوا وهاجروا وجاهدوافی‌سبیل‌الله باموالهم وانفسهم اعظم درجة عندالله ....»

«آنان‌که ایمان آوردند واز وطن هجرت گزیدند ودر راه‌خدا باماال وجان خویش جهاد کردند نزد خدا مقام بلندی دارند»

«من بخاطر عشق به‌خدا و رسیدن بیشتر به اودر راهش قدم گذاشتم و هرکس‌که عاشق او باشد باید آماده هرنوع‌فداکاری باشد.» اگر خون من دراین راه جاری میشود بسی سعادت و افتخار است‌چراکه باریختن این‌خونها است‌که اسلام‌زنده‌میماند

و (بهمین‌علت) از صدر اسلام تاکنون زنده مانده است از همین خونها است‌که صدها جوانهٔ دیگر می‌روید....

باید خون داد تا قرآن پاینده بماند .

برادران : اگر می‌خواهید از شهیدی تجلیل کنید باید دنباله‌روراهش باشید وعلت شهادتش را بیابید....

من بخاطر این شهید میشوم‌که اسلام پیشرفت کند وتمام کشورهای تحت سلطهٔ (قدرتها) ومستضعفین جهان را نجات دهد تا (اسلام) پرتوخودرا برتمام جهان بیفکند و قدس عزیز از چنگال استبدادگران رهاگردد .

Scanned with CamScanner

درتمام کارها بیاد خدا باشید اورا لحظه‌ای ازیاد مبرید زیرا تنها هدف ما اوست واوست‌که ما را درهمه حال پیروز میکند ، دعا ونیایش را فراموش نکنید .

امام را هرگز تنها نگذارید که ما باوجود او چنین استواریم **تنها تقاضائی‌که از برادران دارم اینستکه شهید را وسیلهٔ تبلیغات خویش قرار ندهند چون شهید بخاطر خدا است نه بخاطر تبلیغات گروهی .**

چند کلامی با دوستان محصل :

برادران : سنگر مدرسه را هرگز رها نکنید که مهمترین سنگر داخلی است چراکه مهمترین و بهترین راه نفوذ منافقین ضداسلام (مدرسه) است درس را که مهمترین راه پیشبرد کشور اسلامی است بی‌اهمیت جلوه ندهید .

سخنی با پدر ومادر :

پدر ومادر عزیزم : در سوك من خوشحال باشید چراکه با اینکار نیزه‌ای برقلب دشمن فرو خواهیدکرد .

مادر مهربانم : آیا آن مادری‌که در کربلا سر (بریدهٔ) پسرش را جلوی دشمن انداخت ولباس سفید بتن کرد مادر نبود ؟ شما هم مثل او . تو باید شجاع و بی‌باك باشی چراکه پسرت امانتی از طرف خدابوده که (اورا) تحویل داده‌ای ودر پیشگاه خداوند اجرداری .

Scanned with CamScanner

اگر جسدم بدست شما رسید درکنار دوستان شهیدم در چهارصددستگاه دفن کنید.

اگر از وسائل من چیزی مانده است آنرا وقف جنگ زدگان کنید. والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته

مرتضی خان‌محمدی

Scanned with CamScanner

یادآوری :

از :

امت حزب‌الله و همهٔ ارگانها، جمعیت‌ها و انجمنهای اسلامی، گروهها و افرادیکه اظهار همدردی نموده و کمال همکاری را داشته‌اند مخصوصاً اسامی ذیل تشکر و قدردانی میشود :

بنیادشهید، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ـ شهربانی و پلیس ـ امورتربیتی و جهادسازندگی و بسیج مستضعفین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کرج .

خانوادهٔ شهید خان‌محمدی

Scanned with CamScanner

اگر خون من در این راه جاری می‌شود بسی سعادت و افتخار است چرا

که با ریختن این خونها است که اسلام زنده می‌ماند.

«قسمتی از وصیتنامه شهید»

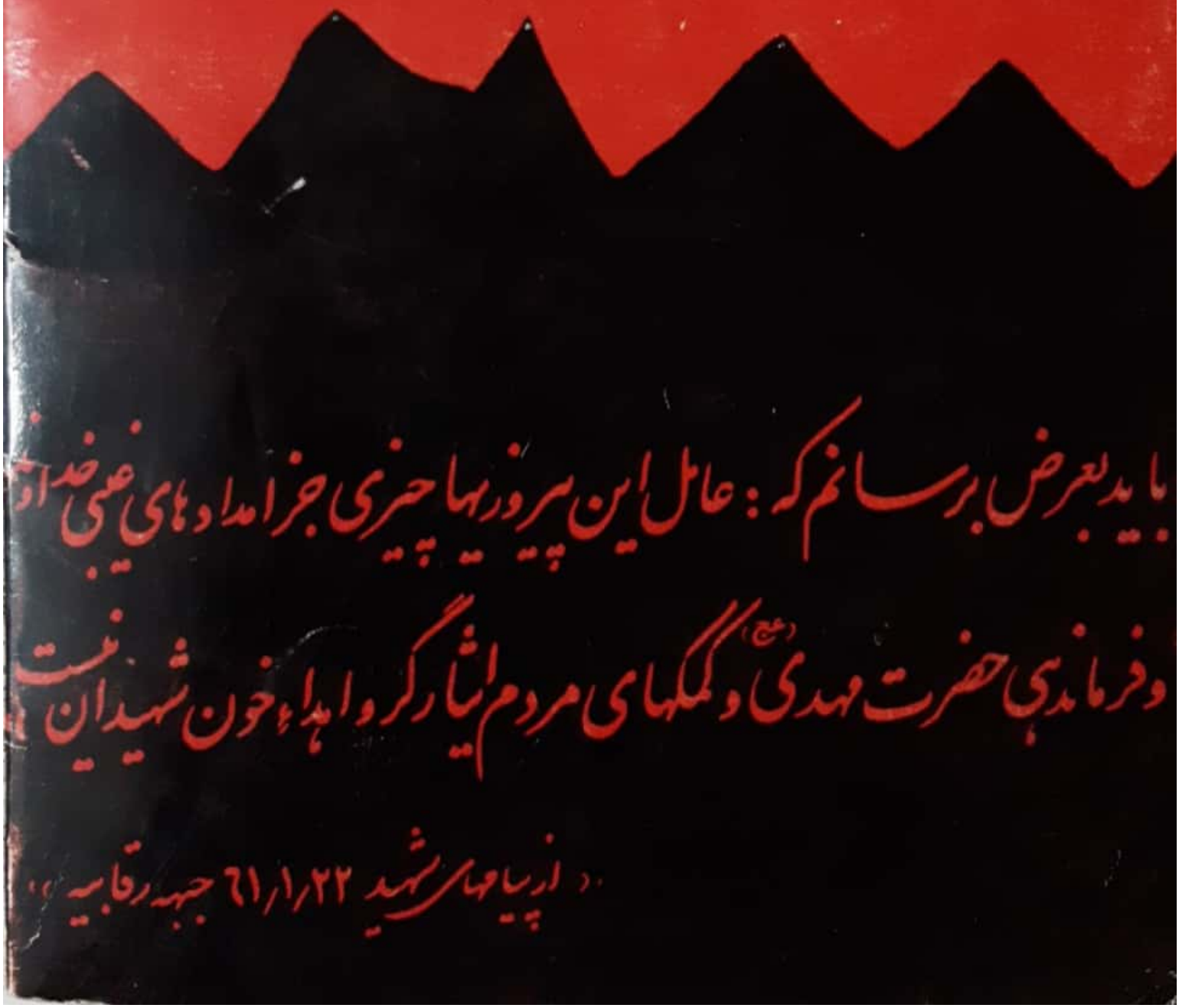

باید بعرض برسانم که: عامل این پیروزیها چیزی جز امدادهای غیبی خدا

و فرماندهی حضرت مهدی (عج) و کمکهای مردم ایثارگر و اهدای خون شهیدان نیست

«از پیامهای شهید ۶۱/۱/۲۲ جبهه رقابیه»

Scanned with CamScanner

نام کتاب : عاشقان شهادت
محل چاپ : چاپخانهٔ خرمی
تیراژ : ۲۰۰۰ جلد
تاریخ چاپ : شهریور ۱۳۶۱

Scanned with CamScanner